

نیاز به پول
داشتیم و با
بلایی که سرمان
آمدۀ بود، دیگر
نمی‌توانستیم
اسم وام را هم
بیاوریم. محمد
حسن گفت:
نامیدی فایده
ندارد، هنوز یک
راه هست، باید
کسی را پیدا کنیم
که از ما حمایت
کند.



را ایشان طراحی کرده بود. مهندس شکوری خیلی اهل حساب و کتاب بود و نسبت به بقیه قانونمندتر حمایت می‌کرد.
با هم گفتیم که اگر چه یکی بیشتر پول می‌دهد؛ اما این یکی کاربرد است و می‌تواند در آینده با برنامه‌هایش بالایمان بکشید. تصمیم گرفتیم با مهندس شکوری کار کنیم. ایشان بعد از کلی بررسی، ما را حمایت کرد. با پولی که به دست آوردیم بخش زیادی از بدھی‌هایمان را پرداخت کردیم و شروع کردیم به ادامه کار.

مهندسی معکوس پرینتر سه بعدی
با راهنمایی‌های مهندس شکوری،
تصمیم گرفتیم بخش‌هایی جانبی برای شرکت راه بیاندازیم و تا کار



باعث شد هم کارمان عقب بماند و هم ضربه بخوریم. از طرفی همان زمان هم با یکی از دوستانمان شریک شده بودیم که بعضی از طرح‌هایمان را در بیرون از شرکت لو داده بود و خیلی اذیت و نامیدی داشت.

تولید پهپاد نقشه‌برداری

ما که تقریباً همه راه‌ها را رفته بودیم، دیگر داشتیم خسته می‌شدیم که محمد حسن پیشنهاد کرد: «سراغ بازار نقشه‌بردارها هم برویم. شاید فرجی بشود». آنجا دیگر طرف حساب مان دولت و ادارات نبودند، ما باید کارمان را به مردم ارائه می‌دادیم؛ یعنی نقشه‌برداری هوایی می‌کردیم و طرف حساب مان هم مردم و شرکت‌های خصوصی بودند.

خدا خواست و در یکی از نمایشگاه‌های نقشه‌برداری به ما پیشنهاد کار شد. پهپادی که ساخته بودیم را کمی تغییر دادیم، رویش یک دوربین نصب کردیم و چند تا کار نقشه‌برداری خیلی موفق با آن انجام دادیم. مشتریمان بیشتر و بیشتر می‌شد؛ ولی ما که از اول قصدمان خدمات و رائے خدمات نبود، تصمیم گرفتیم در کنار کار خدمات، خط تولید پهپاد نقشه‌برداری هم داشته باشیم.

نیاز به پول داشتیم و با بلایی که سرمان آمده بود، دیگر نمی‌توانستیم اسم وام را هم بیاوریم. محمد حسن گفت: نامیدی فایده ندارد، هنوز یک راه هست، باید کسی را پیدا کنیم که از ما حمایت کند. من زیاد امید نداشتم؛ اما چاره‌ای هم نداشتم و همراهی اش کردم. اشخاص زیادی را مقاعد کردیم که پای کارمان بیاند و حمایتمان کنند. همزمان با هم، چندتا پیشنهاد داشتیم.

یکی از آنها شخصی بود که گاواداری داشت و وضع مالی اش خیلی خوب بود. می‌گفت چندین برابر اشخاص دیگر حمایت می‌کند. یکی دیگر از آنها مهندس شهرام شکوری بود، کسی که سرد و گرم بازار را چشیده بود و خودش از نقطه صفر شروع به کار کرده بود. نرم افزار هلو